

بیمه جهانی در مواجهه با طوفان تغییرات

با وجود نوسانات اقتصادی و افزایش ریسک‌های جهانی، صنعت بیمه به سمت نوآوری و دیجیتال سازی پیش می‌رود

می‌تواند موجب کاهش توان مالی شرکت‌های بیمه و به‌طور کلی کاهش اعتماد بیمه‌گذاران شود.

فرصت‌های موجود

بازارهای نوظهور، به‌ویژه در آسیای شرقی، آفریقا و آمریکای لاتین، فرصت‌های قابل‌توجهی برای صنعت بیمه فراهم کرده‌اند. این بازارها به دلیل رشد طبقه متوسط و افزایش آگاهی مردم در مورد اهمیت بیمه، از پتانسیل بالایی برای رشد برخوردارند. شرکت‌های بیمه می‌توانند با ارائه محصولات متنوع و مناسب برای این بازارها، سهم خود را در این مناطق افزایش دهند. تحول دیجیتال یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌های پیش روی صنعت بیمه است. استفاده از فناوری‌های نوین مانند بلاک چین و هوش مصنوعی می‌تواند به شرکت‌های بیمه کمک کند تا فرایندهای خود را بهینه کنند، ریسک‌ها را بهتر ارزیابی کنند و خدمات بهتری به مشتریان ارائه دهند. همچنین، تحول دیجیتال می‌تواند کاهش هزینه‌ها و بهبود تجربه مشتری را در پی داشته باشد.

ظهور فناوری‌های نوین و تغییرات در نیازهای مصرف‌کنندگان، باعث شده است که شرکت‌های بیمه به‌طور فزاینده‌ای به توسعه محصولات جدید و نوآورانه بپردازند. این محصولات می‌توانند شامل بیمه‌های دیجیتال، بیمه‌های مربوط به ریسک‌های جدید مانند حمل‌ونقل خودروان یا حتی بیمه‌های محیط‌زیستی باشند. این نوآوری‌ها قادرند فرصت‌های جدیدی برای رشد صنعت بیمه ایجاد کنند.

گزارش‌ها، به‌ویژه در مورد روندهای نوظهور و چالش‌های پیش روی صنعت بیمه، نقشه راهی برای فعالان این صنعت فراهم می‌آورد. تغییرات اقلیمی، نوسانات ارزی، رکود اقتصادی و رشد طبقه متوسط جهانی از جمله عواملی هستند که بر آینده صنعت بیمه تأثیرگذار خواهند بود. برای مقابله با این چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌ها، شرکت‌های بیمه نیاز دارند تا استراتژی‌های خود را متناسب با شرایط جهانی به‌روز کنند و از فناوری‌های نوین برای بهبود خدمات و افزایش سودآوری بهره ببرند. به‌عنوان مثال، ایالات متحده تا سال ۲۰۱۹ حق بیمه تولیدی در حوزه بیمه زندگی را ۴۷ درصد افزایش داده است. این به‌دلیل این است که در کشورهایی چون ژاپن و آلمان، حق بیمه تولیدی در این رشته کاهش چشمگیری داشته است (ژاپن حدود ۳۰ درصد و آلمان حدود ۲ درصد نسبت به سال ۲۰۰۹). در ۷۰ درصد افزایش یافته است.

گفتنی است که در کشورهای دارای جمعیت سالمند همچون بریتانیا (۴۰۲ درصد)، ایتالیا (۴۴۳ درصد)، آلمان (۴۷۸ درصد) و به‌ویژه ژاپن (۴۸۶ درصد) سهم بیمه زندگی از خسارات پرداختی به‌طور قابل‌توجهی بالاست یا در کشور سوئیس در سال ۲۰۱۹ به حدود ۲۰۰ درصد رسید. به عبارت دیگر در سوئیس، میزان خسارت پرداختی در سال ۲۰۱۹ در بیمه زندگی دو برابر حق بیمه تولیدی بوده است.

در زمینه هزینه‌های عملیاتی نیز، کشور آلمان و ژاپن پیشرو بوده و توانسته‌اند هزینه‌های عملیاتی خود را به‌طور چشمگیری کاهش دهند، اما ایالات متحده از سال ۲۰۱۳ تاکنون رشد هزینه‌های عملیاتی را تجربه کرده است.

در حال حاضر، آمار دقیقی از وضعیت صنعت بیمه در جهان وجود ندارد و سازمان‌های بین‌المللی همچون بانک جهانی تنها به ارائه تصویری کلی از حق بیمه تولیدی و سهم آن از اقتصاد جهان می‌پردازند. در نتیجه، در حوزه خسارات و هزینه‌ها، آمار درستی در سطح جهان وجود ندارد.

آینده یک صنعت جهانی

بیمه برای زندگی امروزی حیاتی است و امنیت مالی را برای افراد، خانواده‌ها، مشاغل و جوامع فراهم می‌کند، اما تجارت بیمه در یک وضعیت دگرگونی شدید قرار دارد که ناشی از ریسک‌های جدید و تشدیدشونده، مدل‌های توزیع و خدمات نوآورانه، نابرابری ثروت و درآمد و چشم‌انداز بویای فناوری است.

صنعت بیمه در برابر نوسانات بازار قوی بوده است، با وجود این تلاطم بیشتری در پیش است. این صنعت از سال ۲۰۱۵، با موانعی مانند تغییر رقبا و انتظارات مصرف‌کننده، آزمایش‌ها و مصائب فنی، تغییرات آب و هوایی و تنش‌های اجتماعی روبه‌رو بوده است. این عوامل عملکرد این صنعت را تحت‌تأثیر قرار داده و منجر به رشد حق بیمه متفاوتی شده است که توسط بازارهای نوظهور رهبری می‌شود. با این حال به‌طور متوسط، طی هفت سال گذشته، نسبت‌های ترکیبی، زبان‌ها و هزینه‌ها روند ثابتی را در بین ۲۵ بیمه گر برتر جهانی بر اساس ارزش این بازار ۲۰۸ تریلیون دلاری حفظ کرده‌اند.

شرکت‌های بیمه به تکامل و نوآوری ادامه خواهند داد تا نیازهای در حال تحول مشتری را برآورده کنند و به نگرانی‌های کلان اقتصادی و سودآوری پاسخ دهند. بیمه در دهه آینده بیشتر مرتبط، مشارکتی و فراگیر خواهد شد.

صنعت بیمه و رهبران فناوری باید علاقه‌اته بر روی افزایش کارایی و بهبود تجربه مشتری سرمایه‌گذاری کنند. بیمه‌گران در زمینه‌های بازاریابی، توزیع، پذیره‌نویسی، برآورد و خدمات بیمه‌نامه، بیشتر درگیر اتوماسیون فرایند خواهند بود. بیمه‌گران پیشرو در طول دهه آینده از اتوماسیون برای دستیابی به نتایجی مانند افزایش درآمد‌ها و سیاست‌های اجرایی، بهینه‌سازی هزینه‌ها و به حداقل رساندن ریسک‌ها استفاده خواهند کرد.

منبع: Forbes



انعطاف‌پذیر شده است، رشد تولید ناخالص داخلی جهانی محقق شده، تورم به‌طور پیوسته کاهش می‌یابد و بازارهای سهام مثبت می‌شوند. البته همه خطوط تولید و مناطق جغرافیایی سود نبرندند و در حالی که نقاط روشنی وجود داشت، صنعت بیمه به طور کلی برای ارتباط با مشکل مواجه شده است.

با این حال، در میان چالش‌ها، فرصت‌های قابل‌توجهی نیز وجود دارد؛ بازار بیمه عمر با پیر شدن جمعیت جهانی و وجود افراد ۶۵ ساله یا بالاتر و تمرکز ثروت در بین نسل X و بازنشستگان، در حال تغییر است. در حالی که تغییر هنجارهای اجتماعی و روش‌های زندگی مانند ازدواج‌های کمتر، نرخ باروری پایین‌تر و تعداد خانوارهای با درآمد دوگانه بیشتر، مدل بیمه زندگی سنتی را به چالش می‌کشد، این فرصتی برای سیاست‌های انعطاف‌پذیرتر برای پاسخگویی به ساختارهای غیرسنتی است.

شرکت‌های بیمه در سال‌های اخیر در محیطی با تورم و نرخ‌های بهره بالاتر فعالیت می‌کنند، اگرچه تورم در سال ۲۰۲۳ شروع به کاهش کرد و سرمایه‌گذاران انتظار کاهش در نرخ‌های بهره را داشتند. تجارت بیمه در سرتاسر جهان به شکل نابرابر توسعه یافته و در اقتصادهای کمتر پیشرفته پوشش کمتری دارد.

ضریب نفوذ بیمه در جهان

ضریب نفوذ صنعت بیمه که به‌عنوان حق بیمه و درصدی از تولید ناخالص داخلی سنجیده می‌شود، با سطوح نفوذ متفاوت عموماً در اقتصادهای پیشرفته‌تر و ثروتمندتر، به‌طور قابل‌توجهی در سراسر جهان متفاوت است. در حالی که حق بیمه‌ها بیش از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی در فرانسه، بریتانیا، ایالات متحده و برخی دیگر از حوزه‌های قضایی اروپایی و آسیایی است، نسبت بسیار کمتری از تولید ناخالص داخلی در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین و برخی از کشورهای اروپایی را تشکیل می‌دهد. تجارت بیمه غیر عمر و عمومی شامل انواع بیمه نظیر آتش‌سوزی، خودرو، سلامت و غیره عموماً بخش غالب در حوزه بیمه است و به‌طور متوسط بیشترین سهم از قراردادهای حق بیمه را در سرتاسر جهان به خود اختصاص می‌دهد، به‌ویژه بیمه وسایل نقلیه که عموماً اجباری است. بیمه‌گران با افزایش فشار هزینه‌ها مواجه شده‌اند که منعکس‌کننده تورم در هزینه‌های خسارت و سخت‌تر شدن بازارهای بیمه اتکایی است. فشار هزینه منجر به افزایش نرخ حق بیمه در بیمه‌های اصلی شامل وسایل نقلیه، بیمه سلامت و دارایی شد که به رشد حق بیمه‌ها در بخش عمومی کمک کرد. این حق بیمه‌ها به‌طور متوسط ۱۲.۴ درصد به صورت اسمی در سال ۲۰۲۳ و ۶.۲ درصد به صورت واقعی رشد کردند که دو برابر نرخ رشد واقعی در سال ۲۰۲۲ است.

تأثیر نرخ بهره بر بیمه عمر

افزایش نرخ سود تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم و آثار مثبت و منفی بر بیمه عمر داشته است. در زمینه نرخ‌های بهره بالاتر، افراد می‌توانند انتظار درآمد بالاتری از میزان مستمری و نرخ‌های بالاتر از محصولات سرمایه‌گذاری عمر به صورت تضمینی داشته باشند. این مسئله در تعدادی از حوزه‌های بیمه و قضایی منجر به افزایش تقاضا برای بیمه‌ها و دور شدن از موارد غیر تضمینی شده است که در آن، بیمه‌گذاران ریسک سرمایه‌گذاری را متحمل می‌شوند. در برخی از حوزه‌های قضایی، نرخ‌های بهره بالاتر باعث شد برخی مشتریان از بیمه‌نامه‌های عمر خود صرف‌نظر کنند و پس‌انداز خود را مجدداً به‌عنوان مثال برای خرید خانه به کار گیرند. نرخ‌های سود بالاتر همچنین به افزایش نرخ وام مسکن و کاهش تعداد معاملات و وام‌ها تبدیل شده است. این امر تأثیری غیرمستقیم بر فروش محصولات حمایت از زندگی در حوزه‌هایی داشته که مؤسسات اعتباری از وام‌گیرندگان می‌خواهند چنین محصولاتی را خریداری کنند. کاهش بازده اوراق قرضه دولتی در پایان سال ۲۰۲۳ که منعکس‌کننده کاهش انتظارات تورمی است، تأثیر مثبتی بر ارزش گذاری اوراق داشته است. بازارهای جهانی سهم نیز عملکرد قوی در سال ۲۰۲۳ نشان دادند. این تحولات بازار مالی، عملکرد کلی سرمایه‌گذاری بیمه‌گذاران را تقویت کرد. به‌طور کلی سودآوری صنعت بیمه در سال ۲۰۲۳ بهبود یافت که منعکس‌کننده عملکرد مثبت پذیره‌نویسی و دستاوردهای سرمایه‌گذاری است.

گزارش

محمد رضوانی

روزنامه نگار

صنعت بیمه در جهان با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی روبه‌رو است؛ از تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی گرفته تا تحولات فناوری و رشد طبقه متوسط جهانی. با وجود نوسانات اقتصادی و افزایش ریسک‌های جهانی، بیمه‌گران پیشرو با استفاده از نوآوری و دیجیتال‌سازی، به دنبال بهبود عملکرد و ارائه خدمات بهتر به مشتریان هستند. در این گزارش، به بررسی وضعیت کنونی صنعت بیمه، چالش‌ها، فرصت‌ها و آینده این صنعت پرداخته‌ایم.

طبق تعریف، بیمه (Insurance) سازوکاری است که طی آن بیمه‌گر، بنابر ملاحظات، تعهد می‌دهد که خسارت احتمالی بیمه‌گذار را به شرط وقوع یک حادثه در یک دوره زمانی مشخص، جبران یا خدمات مشخصی را به وی ارائه کند. بنابراین، بیمه یک روش مقابله با ریسک است. یافتن رشد سودآور، یک امر ضروری برای اموال شخصی و تجاری جهان و بیمه‌گران حوادث محسوب می‌شود، در حالی که شرکت‌های بیمه باید با نیازهای متغیر مصرف‌کننده سازگار شوند.

چالش‌های جهانی

با توجه به اینکه، این صنعت بر کاهش ریسک و ارائه حفاظت متمرکز است، بیمه‌گران جهان در حال تحمل یک دوره بی‌ثباتی هستند. تصویر اقتصاد کلان دنیا، با تورم بالا و نرخ بهره نامشخص، مغشوش است. به نظر می‌رسد چرخه رشد اقتصادی به انتهای خود رسیده و اعتماد مصرف‌کننده همچنان متزلزل است. بی‌ثباتی ژئوپلیتیک همچنان تهدیدی برای رشد جهانی به شمار می‌رود و الگوهای تجاری در بحبوحه نشانه‌های حمایت‌گرای، در حال تغییر هستند.

با این حال، گزارش مؤسسه مک کنزی از بیمه جهانی در سال ۲۰۲۵، با ارائه بینش‌های دقیق و توصیه‌های روشن برای اینکه چگونه بیمه‌گران پیشرو می‌توانند عملکرد خود را بهبود بخشند، فرصت‌هایی را برای به دست آوردن رشد سودآور در حین حرکت در این چشم‌انداز در حال تغییر شناسایی می‌کند.

بزرگ‌ترین شرکت‌های بیمه جهان

طبق آخرین آمارها در سال ۲۰۲۴، فهرست ۱۰ شرکت بزرگ

بیمه بر اساس درآمد سالانه به شرح زیر است:

- شرکت یونایتد هلث گروپ (UNH) آمریکا
- شرکت برکشایر هاتاوی (BRK.B) آمریکا
- شرکت سی‌وی‌اس (CVS) آمریکا
- شرکت سیگنا گروپ (CI) آمریکا
- شرکت الونس هلث (ELV) آمریکا
- شرکت سنتین (CNC) آمریکا
- پینگ‌ان اینشورنس (PINGAY) چین
- آلیانسن (Allianz) آلمان
- شرکت هومانا (Humana) آمریکا
- شرکت آکسا سا (Axa Sa) فرانسه

فرصت‌ها در میان چالش‌ها

در حالی که ارزش حق بیمه شخصی در سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳ با حدود ۹.۵ درصد رشد به ۱.۱ تریلیون دلار رسید، این رشد نیم درصد از تولید ناخالص داخلی اسمی جهانی پیشی گرفت. رشد صنعت بیمه در بازارهای توسعه‌یافته عمدتاً ناشی از افزایش نرخ بهره بود که نشان‌دهنده گسترش محدود به سمت ریسک‌های جدید است. مقرون به صره بودن بیمه به دلیل افزایش قیمت دارایی‌های اساسی، هزینه تعمیرات و دفعات خسارت (به‌ویژه در مناطقی که در معرض خطر فیزیکی قرار دارند) و افزایش هزینه‌های بیمه، به‌عنوان یک موضوع مهم در برخی بازارها از جمله ایالات متحده ظاهر شد.

در میان این چالش‌ها، فرصتی برای نوآوری، گسترش پوشش و افزایش ارتباط در این صنعت دیده می‌شود. بسیاری از اقتصادها در آمریکای لاتین و آسیایمنطق بالقوهای برای رشد هستند و ممکن است وارد شرایط اقتصادی ویژه‌ای شوند که پوشش بیمه و ارتباط بیشتری را مقدر سازد. پیری جمعیت جهانی و الگوهای در حال تحول خرید مشتریان، فرصت‌هایی را برای شرکت‌های بیمه فراهم می‌کند تا در مورد قابلیت‌ها و پیشنهادات خود تجدید نظر کنند. مدل‌های جدید اپراتورها را وادار می‌کنند تا رویکرد خود نسبت به توزیع، قیمت گذاری، طراحی محصول و پردازش تجدیدنظر کنند. در میان افزایش مستمر ریسک فیزیکی، شرکت‌ها باید روی قابلیت‌های جدیدی سرمایه‌گذاری کنند تا به مدیریت، کاهش و انتقال خطرات مربوط به بلایای طبیعی کمک کنند. سرانجام، فناوری در حال تکامل به‌ویژه هوش مصنوعی، به اپراتورها امکان می‌دهد در زنجیره ارزش آنها به انتها، تجدیدنظر و نوآوری کنند. خطوط بیمه تجاری جهانی به رشد قوی خود ادامه داده‌اند. حق بیمه‌ها به‌طور متوسط سالانه هشت درصد در پنج سال گذشته افزایش یافته، در حالی که میانگین نسبت ترکیبی این صنعت به ۹۱ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یافته است. بیمه‌گران باید، برای دستیابی به رشد سودآور، توانایی‌های خود را در خطوط اصلی کسب‌وکار خود دو برابر کنند.

صنعت بیمه عمر و بازنشستگی

سال ۲۰۲۴ سالی بود که سیگنال‌های غیرقابل پیش‌بینی، عدم اطمینان و پیشرفت‌های شگفت‌انگیز برای صنعت بیمه عمر و بازنشستگی داشت. در حالی که شرایط اقتصاد کلان

مehشید شاهچراغی

عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی

تورم رکودی

چالش مدیریت نقدینگی

افزایش نقدینگی به خودی خود پدیده‌ای منفی نیست و می‌تواند به تعدیل تقاضاها و رشد اقتصادی کمک کند. با این حال، مدیریت نرخ رشد نقدینگی از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا رشد بی‌رویه نقدینگی می‌تواند منجر به تورم، بی‌ثباتی اقتصادی و کاهش قدرت خرید مردم شود. برای مدیریت مؤثر نرخ رشد نقدینگی، لازم است ترکیبی از سیاست‌های پولی و مالی به‌صورت هماهنگ و هدفمند اجرا شود. این سیاست‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که هم‌زمان به اهداف اقتصادی مانند کنترل تورم، رشد اقتصادی و ثبات مالی کمک کنند.

عوامل مؤثر بر رشد نقدینگی شامل افزایش پایه پولی، افزایش ضریب فزاینده پول، افزایش وام‌دهی بانک‌ها و کسری بودجه دولت است. افزایش پایه پولی به معنای افزایش حجم پول نقد در گردش و ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی است. افزایش ضریب فزاینده پول ناشی از افزایش توان بانک‌ها در ایجاد اعتبار و وام‌دهی است. وقتی بانک‌ها وام‌های بیشتری ارائه می‌دهند، حجم نقدینگی در اقتصاد افزایش می‌یابد. کسری بودجه دولت نیز زمانی اتفاق می‌افتد که دولت بیش از درآمد‌های خود هزینه کند و ممکن است از طریق استقراض یا چاپ پول این کسری را جبران کند که منجر به افزایش نقدینگی می‌شود. برای کنترل نرخ رشد نقدینگی، باید از ترکیبی از سیاست‌های پولی و مالی استفاده کرد. در بخش سیاست‌های پولی، افزایش نرخ بهره می‌تواند تقاضا برای وام‌ها را کاهش دهد و از افزایش بی‌رویه نقدینگی جلوگیری کند. عملیات بازار باز نیز ابزاری است که بانک مرکزی می‌تواند با خرید و فروش اوراق قرضه، حجم نقدینگی در بازار را تنظیم کند. از طرفی، کنترل حجم گردش پول از طریق تنظیم نرخ ذخیره قانونی بانک‌ها می‌تواند حجم پول در گردش را کنترل کند.

در بخش سیاست‌های مالی، کاهش مخارج دولت قادر است از ایجاد کسری بودجه و افزایش نقدینگی جلوگیری کند. مدیریت مالیات و افزایش یا اصلاح نظام مالیاتی می‌تواند درآمد‌های دولت را افزایش داده و از نیاز به استقراض یا چاپ پول بکاهد. همچنین، مدیریت بدهی‌های دولت از فشار بر سیستم مالی و افزایش نقدینگی جلوگیری به عمل می‌آورد. باید اضافه کرد که تشویق سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصادی می‌تواند به رشد پایدار و کنترل نقدینگی کمک کند.

در شرایطی مانند تورم رکودی، شاید اجرای تنها یک سیاست به تنهایی کافی نباشد و حتی عواقب منفی برای سایر بخش‌های اقتصاد به دنبال بیاورد. بنابراین، لازم است سیاست‌ها به‌صورت ترکیبی و هماهنگ اجرا شوند. برای مثال، افزایش نرخ بهره ممکن است از افزایش نقدینگی جلوگیری کند، اما اگر به‌صورت نامتعادل اجرا شود، می‌تواند منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی شود. از طرف دیگر، کاهش مخارج دولت بدون توجه به تأثیرات آن بر تقاضای کل می‌تواند اقتصاد را به سمت رکود سوق دهد.

مدیریت نرخ رشد نقدینگی نیازمند رویکردی جامع و هماهنگ است که در آن سیاست‌های پولی و مالی به‌صورت ترکیبی و با توجه به شرایط اقتصادی کشور اجرا شوند. در شرایط کنونی اقتصاد ایران، کنترل نرخ رشد نقدینگی از طریق تعدیل بهینه و اجرای هم‌زمان سیاست‌های پولی و مالی ضروری به نظر می‌رسد. این امر نه تنها از افزایش بی‌رویه نقدینگی جلوگیری می‌کند، بلکه موجب ثبات اقتصادی و رشد پایدار می‌شود.

بر اساس مطالعات و گزارش‌های اقتصادی، کشورهایی که توانسته‌اند نرخ رشد نقدینگی را به‌صورت مؤثر مدیریت کنند، معمولاً از ترکیبی از سیاست‌های پولی و مالی استفاده کرده‌اند. برای مثال، افزایش نرخ بهره در کنار کاهش مخارج دولت و افزایش سرمایه‌گذاری‌های مولد می‌تواند به کنترل نقدینگی و رشد اقتصادی پایدار کمک کند. همچنین، استفاده از ابزارهایی مانند عملیات بازار باز و مدیریت بدهی‌های دولت می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.

در نهایت، مدیریت نرخ رشد نقدینگی نیازمند توجه به شرایط خاص اقتصادی هر کشور و اجرای سیاست‌های متناسب با آن شرایط است. در ایران، با توجه به چالش‌هایی مانند تورم بالا و رکود اقتصادی، اجرای ترکیبی از سیاست‌های پولی و مالی می‌تواند به کنترل نقدینگی و بهبود وضعیت اقتصادی کمک کند.